

زیبایی‌شناسی مدرن ژاپنی

مایکل مارا

مترجم: هاشم رجب‌زاده



زمستان ۱۳۸۷

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۱	قدردانی
۱۵	مقدمه

موضوع زیبایی‌شناسی

۳۷	بهره یکم: نیشی آمانه و معرفی زیبایی‌شناسی در ژاپن
۴۹	نظریه زیبایی‌شناسی
۶۵	بهره دوم: تسوبو اوچی شوءیو و صدای مقاومت
۷۸	زیبایی چیست؟
۱۰۳	بهره سوم: اوکا کورا کاکوزو و ابطال مکتب هگلی
۱۱۱	درس گفتار اوکا کورا کاکوزو در انجمن دوستداران نقاشی
۱۲۳	بهره چهارم: اوء نیشی هاجیمه و ایده آلیسم، مسیحیت، و شعر
۱۲۹	(شعر ژاپنی) واکا مفهوم و مضمون دینی ندارد
۱۴۳	بهره پنجم: تاکایاما چوگیو و زیبایی‌شناسی ملت
۱۴۹	ملاحظات در لذت زیبایی‌شناسی

مقوله‌های زیبایی‌شناختی

۱۷۱	بهره ششم: اوء نیشی یوشینوری و مقوله زیبایی‌شناختی
۱۸۰	آواره
۲۰۵	بهره هفتم: ایجاد مقوله‌های زیبایی‌شناختی
۲۱۳	منطق شور و هیجان بازمانده

بیان شعری

- ۲۴۳ بهره هشتم: فضای شعر: مکتب کیوتو و نیشی تانی کیجی
- ۲۵۳ تهی بودن و همگونی
- ۳۰۷ بهره نهم: ایما میچی تومونوبو و «کالونولوژی» او
- ۳۱۰ مراحل نخستین بیان
- ۳۱۳ بیان در شرق
- ۳۱۶ مقایسه
- ۳۱۷ دو رویه یک حقیقت
- ۳۲۱ بیان در لحظه

پست مدرنیسم و زیبایی شناسی

- ۳۲۵ بهره دهم: بازی آیینه‌ها و ساکابه مه گومی
- ۳۴۰ صورتک و سایه در فرهنگ ژاپن: هستی شناسی نهفته در اندیشه ژاپنی
- ۳۵۲ مودوکی؛ سنت تقلید نمایشی در ژاپن
- ۳۶۹ بهره یازدهم: پیچیدگی زیبایی شناسی و کاراتانی کوء جین
- ۳۷۸ معناگزاری ادو و زمان حاضر
- ۴۲۱ کتابنامه
- ۴۲۹ پیوستها
- ۴۳۵ واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
- ۴۴۳ واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
- ۴۴۹ نمایه

بهره یکم

نیشی آمانه و معرفی زیبایی شناسی در ژاپن

طرح مقوله زیبایی شناسی در ژاپن در دهه ۱۸۷۰ مستلزم بازپردازی ظریف و پیچیده یک نظام شناخت شناسی ژاپنی بود. در همین حال، روشنفکران ژاپنی در تلاش از کار درآوردن زبانی فنی و پاسخگوی نیازهای افکار از بیرون آمده بودند. مفاهیم متمایزی که سنت غربی میان علوم انسانی و علوم طبیعی می‌نهد، طی جریانی که یاماموتو ماسائو^۱ آن را «عصر بیداری» زیبایی شناسی ژاپن خوانده است می‌بایست شناخته و پذیرفته شود.^۲ چالش عمده هنگامی روی نمود که هدفمندی و کارآمدی پیشه‌وری (*gijutsu*) را می‌بایست از کمال‌جوئی خلق هنری (*geijutsu*) متمایز سازند. دشواری اصلی – همانا یافتن برابر نهاده‌های ژاپنی برای مفاهیمی که لفظ “*techne*” یونانی در گذر قرن‌ها پذیرفته

1. Yamamoto Masao

Yamamoto Masao: زیبایی شناس معاصر، سه مرحله را در تاریخ زیبایی شناسی ژاپن متمایز می‌کند: مرحله اول دوره بیداری (سالهای ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۸) است، که با ترجمه و پذیرفته شدن آثار غربی از سوی نیشی آمانه (۱۸۲۹-۱۸۹۷)، ناکانه چوئ مین (۱۸۴۷-۱۹۰۱)، و کیکوچی دایروکو (۱۸۵۵-۱۹۱۷) ممتاز می‌شود. نیز در همین دوره بود که ارنست فرانسیسکو فنولوسا (۱۸۵۳-۱۹۰۸)، دانشمند امریکایی در ژاپن سیر و سیاحت، و درباره زیبایی شناسی و هنر سخنرانی می‌کرد. مرحله دوم دوره نقد است (سالهای ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۸)، که تسوبوواچی شوءیو (۱۸۵۹-۱۹۳۵)، فوتاباتی شی می (۱۸۶۴-۱۹۰۹)، توایاما ماساکازو (۱۸۴۸-۱۹۰۰)، اوئ نیشی هاجیمه (۱۸۶۴-۱۹۰۰)، موری اوئ‌گای (۱۸۶۲-۱۹۲۲)، و تاکایاما چوئ‌گیو (۱۸۷۱-۱۹۰۲) نماینده آنند. مرحله سوم، دوره اندیشمندی است که مصادف است با نظام گرفتن مکتب زیبایی شناسی در ژاپن. در سال ۱۸۹۹ از اوئ‌تسوکا یاسوجی (۱۸۶۸-۱۹۳۱) دعوت شد که نخستین کرسی استاد تمام وقت را در دانشگاه سلطنتی توکیو تصدی کند، و سپس، در سال ۱۹۰۱، فوکادا یاسوکازو (۱۸۷۸-۱۹۲۷) همین مقام را در دانشگاه کیوتو یافت. نک:

Yamamoto Masao, *Tōzai Geijutsu Seishin no Dentō to Kōryū* (Tokyo: Risōsha, 1965), pp. 15-115.

بود. با توجیهی آرمانی تشدید شد. این توجیه در سوی آن بود که کار و تلاشهای متنوع و ناهمگون، مانند معماری، پیکره‌سازی، نگارگری، موسیقی و شاعری، را در یک دسته جای می‌دهد، به این بهانه که هر رشته خاص «هنر مستظرفه» (*bijutsu*) از یک آبخور عام و جهانی مایه گرفته است.^۳

دشواری کار محدود به مسأله زبان و لفظ نبود. در پس واژگان زیبایی‌شناسی لایه‌ای انبوه از فلسفه غربی قرار داشت که (طیفی گسترده را)، از نظریه فلسفی افلاطون گرفته تا نظام «روح مطلق» هگل، در خود جای می‌داد. فراز آوردن زیبایی‌شناسی (از غرب) دانشمندان ژاپنی را ناگزیر می‌داشت تا این «دانش» جدید را در پرتو شناخت‌شناسی غربی تبیین و توجیه کنند. ژاپن در سه دهه اخیر سده نوزده درگیر فرا آوردن، بررسیدن و آزمودن و تحلیل بردن - یا غیرقابل فهم ماندن - مرده‌ریگ بیش از دو هزار سال اندیشه غربی بود.

سواى مسأله مسلط شدن بر رموز این اندیشه نامأنوس در مدتی کوتاه، روشنفکران ژاپنی گرفتار کار حساس پیوند دادن میان تفکر کهن خود با سازوکارهای فلسفه تازه فرا یافته هم بودند. چالش عمده در عرصه زیبایی‌شناسی همانا توجیه یک پارادوکس بنیادی بود: این که چگونه رشته‌هایی از معرفت، مانند ادبیات، را که قرن‌ها از سوی اندیشمندان کنفوسیوسی به اعتبار اصول اخلاقی تبیین شده بود - همانا «ترویج و تشویق خیر و راندن شر»^۴ - بر وفق اصل «معلل به غرض نبودن» - نظریه فرا نهاد کانت، توجیه کنند. چگونه می‌توان رسم و راه بواقع استقلال عمل و آزاد رفتاری را جایگزین وابستگی (خواه آیینی و خواه سیاسی) که هنر ژاپن به آن متعهد بوده است کرد؟^۵

۳. نک. بهره ۳، یادداشت ۲۲.

4. kanzen chōaku

۵. با آنکه توماس هیون استدلال می‌کند که «جای تردید است که نیشی هرگز اثر کانت را خوانده باشد»:

Thomas R. H. Havens, *Nishi Amane and Modern Japanese Thought* (Princeton: Princeton University Press, 1970), p. 55,

از نامه‌ای که او در سال ۱۸۶۳ به یوهان جوزف هافمن (۱۸۷۸-۱۸۰۵)، استاد ژاپن‌شناسی در دانشگاه لیدن، فرستاده بود، علاقه‌اش را به مطالعه فلسفه کانت در می‌یابیم. در این نامه آمده است: «افزون بر آنچه پیشتر یاد کردم، دوست دارم که در رشته فلسفه مطالعه کنم. میل دارم که از دکارت، لاک، هگل و کانت بیاموزم، زیرا که آرای آنان متفاوت با اندیشه‌های آیینی است که در کشور من مجاز دانسته می‌شود.» بی‌تردید نیشی در چند سالی که - از آوریل ۱۸۶۳ - در لیدن از پرفسور اوپزومر (۱۸۹۲-۱۸۱۲) درس می‌گرفت - در تأثیر فلسفه آلمان، که در آن سالها شاخص‌ترین مکتب فلسفی در هلند بود، قرار گرفت.